

□ شاخصه‌های گفتمان امام(ره) و انقلاب نترسیدن از هیچ کس، جز خدا

قاسم روان بخش

همه شنیده‌ایم که مقام معظم رهبری، دولت نهم را احیاگر راه و گفتمان امام(ره) و انقلاب معرفی فرموده‌اند؛ ولی کم‌تر کسی تاکنون به تحلیل این سخنان حکیمانه نشسته است؛ مخالفان دولت، حمایت خاص از دولت را به ضعف آن تفسیر کرده، می‌گویند چون دولت ضعیف و ناتوان است، رهبری مجبور است با حمایت خاص خود، آن را سر پا نگه دارد! متدینان و افراد ولایی نیز از باب وجوب اطاعت از رهبری، ممکن است این سخنان را بپذیرند. طبعاً بر عهده اصحاب رسانه و قلم و صاحب تریبون است که عمق سخنان معظم‌له را برای مردم روشن کنند.

به‌راستی کدام ویژگی از امام(ره) در رییس جمهور و دولت نهم وجود دارد که رهبری، او را احیاگر گفتمان امام(ره) و انقلاب می‌نامند؟





روح، آن سیرت از دست نرود، فراموش نشود؛ دلمان خوش نباشد به حفظ صورت و قالب. به روح، معنا و سیرت توجه داشته باشید. این، اساس قضیه است....

نظام اسلامی، نظام اسلامی است در ظاهر و باطن؛ نه فقط نظام اسلامی در ظاهر. صرف این که حالا یک شرایطی در قانون اساسی برای رئیس جمهور و برای رهبر و برای رئیس قوه قضائیه و برای شورای نگهبان و برای که و که معین شده؛ و چه و چه، اینها کافی نیست؛ اگر چه اینها لازم است. انحراف در هدفها، در آرمانها، در جهت گیریها را باید مراقبت کرد که پیش نیاید و این چیزی است که ما در طول این سالهای طولانی - به خصوص بعد از جنگ و بعد از رحلت امام(ره) - درگیرش بودیم؛ جزو درگیریهای اساسی در این دو دهه گذشته، یکی همین بوده. تلاشهای زیادی شده است برای این که جمهوری اسلامی را از روح و معنای خودش خارج نکنند. تلاشهای زیادی کردهاند؛ به شکلهای مختلف؛ چه در زمینههای سیاسی، چه در زمینههای اخلاقی، چه در زمینههای اجتماعی؛ از اظهاراتی که شده و حرفهایی که زده شده. ما یک دوره‌ای را هم مشاهده کردیم که در مطبوعات ما رسماً، علناً، جدایی و تفکیک دین از سیاست را اعلان کردند! اصلاً مسئله یکی بودن دین و سیاست را که اساس جمهوری اسلامی و اساس حرکت عمومی مردم بود، زیر سؤال بردند.» (سخنرانی در دانشگاه علم و صنعت، سال ۸۷)

به فضل الهی، این حرکت مرموز که در زیر پوست نظام به تدریج در حال انجام بود، در دولت نهم با آن مقابله شد؛ اسلام خواهی به شعار اصلی دولت تبدیل گردید و جهت گیری دولت به سمت ارزشهای الهی قرار گرفت؛ تا جایی که مقام معظم رهبری در جمع هیأت دولت، به دلیل تلاش برای توقف آن حرکت شوم ضد دینی، از آنها تشکر کردند. ایشان خطاب به اعضای هیأت دولت فرمودند: «روند غرب‌باوری و غرب‌زدگی را که متأسفانه داشت در بدنه مجموعه‌های دولتی نفوذ می‌کرد، متوقف کردید؛ این چیز مهمی است. حالا یک عده‌ای در جامعه، ممکن است به هر دلیلی شیفته یک تمدنی یا یک کشوری باشند؛ اما این وقتی به بدنه مدیران انقلاب و مجموعه‌های انقلاب نفوذ می‌کند، چیز خیلی خطرناکی می‌شود. این دیده می‌شد؛ جلوی گرفته شد. گرایش‌های سکولاریستی - که متأسفانه باز داشت در بدنه مجموعه مدیران کشور نفوذ می‌کرد - جلوی گرفته شد. نظام انقلابی، بر مبنای دین و بر مبنای اسلام و بر مبنای قرآن شکل گرفته و به همین دلیل از حمایت میلیونی این ملت برخوردار

برای پاسخ به این سؤال، می‌توان به معیارها و شاخصه‌های اصول‌گرایی که چندی پیش توسط مقام معظم رهبری تبیین شد، مراجعه کرد؛ این معیارها دقیقاً همان معیارهایی است که امام‌راحل(ره) به عنوان اصول انقلاب بر آن تأکید کرده بودند: «ایمان و هویت اسلامی و انقلابی، عدالت، ساده‌زیستی و مردمی بودن، حفظ استقلال همه جانبه کشور، تقویت خودباوری و اعتماد به نفس در همه زمینه‌ها، جهاد علمی و حرکت به سمت کارهای بزرگ و روی آوردن به عرصه‌های جدید، تثبیت و تعمیق آزادی و آزاداندیشی.» این شاخصه‌ها که از مبانی انقلاب و اصول‌گرایی است، در کلمات امام(ره) موج می‌زند. در واقع می‌توان گفت مقام معظم رهبری که راه ایشان همان راه امام(ره) است، این معیارها را از امام(ره) گرفته‌اند و امام(ره) نیز از مکتب ناب اسلام الهام گرفته‌اند.

۱) ایمان و هویت اسلامی

امام(ره) در باره این معیار که از مهم‌ترین معیارهای اسلام و انقلاب است، می‌فرمایند: «همان طوری که از اول، ایمان مبدأ این شد که این نهضت پیش برود و اجتماع همه شما به واسطه ایمانی که در دلتان بود اسباب این شد که همچو قدرت شیطانی را در هم کوبیدید، این یک عنایتی بود، عنایت خاصی بود از خدای تبارک و تعالی.» (صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۰۳) «آن که مقصدمان است، اسلام است. به غیر اسلام نباید فکر کنیم. به غیر قوانین اسلام نباید فکر کنیم. آن چه مقصد بود، اسلام بود؛ آن چه مردم خوششان را در راه آن دادند، اسلام بود؛ آن چه مردم جوان‌هایشان را دادند و زنها جوان‌هایشان را دادند و بعد هم اظهار تشکر می‌کردند، آن اسلام بود و اعتقاد به این که باید اسلام تحقق پیدا بکند.» (صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۴۵)

«لکن ملت بحمدالله ایستاد و با این که هیچ دستش نبود، قوت ایمان داشت. یعنی یک نهضت اسلامی بود؛ همه با اسم اسلام جلو می‌رفتند. چون با اسم اسلام بود و با ایمان به خدا بود، بر همه قدرت‌های بزرگ، ابرقدرت‌ها غلبه کردند و آن دستگاه بزرگ را فرو ریختند. با دست خالی توپ‌ها و تانک‌ها و همه را شکست دادند و کاخ‌ها را فرو ریختند.» (صحیفه نور، ج ۶، ص ۶۴۱) مقام معظم رهبری نیز مکرراً بر این نکته مهم تأکید کرده‌اند که ایمان و هویت اسلامی، مهم‌ترین مؤلفه اصول‌گرایی است و باید همواره بر آن پای فشرده: «ساخت ظاهری جمهوری اسلامی، خیلی کمکی نمی‌کند؛ خیلی اثری نمی‌بخشد و پسوند "اسلامی" بعد از مجلس شورا؛ مجلس شورای اسلامی؛ دولت جمهوری اسلامی، به تنهایی کاری صورت نمی‌دهد. اصل قضیه این است که مراقب باشیم آن

شده و جان‌هایشان را کف دستشان گرفته‌اند و جوان‌هایشان را به میدان‌های خطر فرستاده‌اند؛ آن وقت مسئولان یک چنین نظامی، دم از مفاهیم سکولاریستی بزنند؟! "یکی بر سر شاخ و بن میبیرد؛ یعنی خودشان بنشینند و بنا کنند بن این مینا و قاعده را کلنگ زدن! خیلی چیز خطرناکی بود. الحمدلله اینها جلوی‌ش گرفته شد." (در جمع هیأت دولت، ۸۷/۷۲)

پس از برهه‌ای نسبتاً طولانی و با تلاش‌های سنگین رهبری و علمای دلسوز، گفتمان غرب‌باوری، جای خودش را به گفتمان امام(ره) و انقلاب داد. از این رو معظم له در وصف این دولت می‌فرمایند: «خصوصیت و امتیاز دوم که در این دولت هست، شعار و گفتمان کلی این دولت است که منطق بر شعار و گفتمان امام(ره) و منطق بر شعارها و گفتمان‌های انقلاب است؛ این خیلی چیز باارزشی است. این را هیچ کس نمی‌تواند ندیده بگیرد. هر دلبسته به انقلاب، این را قدر می‌داند؛ هر کسی که پیشرفت کشور را با هدایت انقلاب و با کارگردانی انقلاب تصور می‌کند، باید این را قدر بداند.» (همان)

۲) عدالت طلبی

یکی دیگر از شاخصه‌های اصول‌گرایی، "عدالت طلبی" است. امام(ره) در بیان‌تشان بارها و بارها بر آن تأکید می‌ورزیدند. ایشان در این باره فرمودند: «خدا می‌خواهد عدالت در بین مردم اجرا بشود. خدا می‌خواهد که به حال این ضعفا و طبقه سوم یک فکری بشود.» (صحیفه امام(ره)، ج ۴، ص ۴۶۱) «جمهوری اسلامی معنایش این است که عدالت باشد، عدالت این است که این آدمی که الان احتیاج به من دارد، از خارج آمده الان، از راه دور آمده، به این اداره احتیاج دارد، زود رسیدگی بشود به احتیاج این. این طور نباشد که یک کسی که آشنای ما هست، جلو کارش را انجام بدهیم، یک کسی که خیر، غریبه هست، عقب تر انجام بدهیم و هکذا، چیزهایی که شما می‌دانید می‌شد، این چیزهایی که می‌شد، دیگر نگذارید بشود.» (همان، ج ۹، ص ۲۱)

مع الاسف پس از جنگ و ورود در دهه دوم، به تدریج این شعار مهم انقلاب رنگ باخت و جای خود را به شعار توسعه منهای عدالت داد. ویژه خواری در میان برخی مسئولان به عرف تبدیل شد! رانت مسئولیت، بر فرهنگ عدالت حاکم شد و سازمان برنامه‌ریزی به محل چانه زنی وزرا و نمایندگان مجلس برای گرفتن امکانات ویژه برای شهر و دیار خودشان تبدیل شده بود. از این رو برخی شهرها و استان‌ها با جذب امکانات بیش‌تر، رشد زیادی کردند و شهرها و استان‌هایی که از این گونه رانت‌ها بی‌بهره بودند، در فقر

و محرومیت باقی ماندند. در نتیجه، فاصله فقیر و غنی زیاد شد. در یک نگاه می‌توان آثار این نوع تفکر را در مقایسه استان‌های محرومی مثل سیستان و بلوچستان، ایلام، خراسان جنوبی و شمالی، قم، کردستان و... با برخی استان‌های توسعه یافته فهمید! از سوی دیگر در یک استان توسعه یافته نیز شهرهایی که از رانت یک مسئول مثل رییس جمهور و وزیر و... برخوردار بودند، نسبت به دیگر شهرهای استان، از امکانات بیش‌تر و غیر قابل مقایسه‌ای بهره مند می‌شدند. برخی مردم شهرهایی مانند عنبر آباد جیرفت، پس از گذشت ۲۶ سال از انقلاب، هنوز در "کپر" زندگی می‌کردند. مع الاسف به رغم فعالیت‌های چشمگیر دولت نهم، هنوز هم، کم و بیش، آثار آن سیاست‌های گذشته در این گونه شهرها به چشم می‌خورد. اعمال این نوع سیاست‌ها، قطعاً با شعار عدالت طلبی انقلاب در تعارض کامل است. مقام معظم رهبری درباره ضرورت اعمال سیاست‌های عدالت‌طلبانه در دهه پیش رو فرمودند: «دهه‌ای که ما در پیش رو داریم، دهه پیشرفت و عدالت است. این دو شعار، شعار دهه آینده است: پیشرفت، عدالت. .. ما می‌خواهیم در این دهه، یک پیشرفت جهشی همه‌جانبه و یک عدالت گسترده وسیع همه‌جانبه اتفاق بیفتد. خوشبختانه زمینه‌هایش هم فراهم است. در این دهه، گفتمان مسئولان کشور، بایستی پیشرفت و توسعه باشد؛ پیشرفت و عدالت باشد... اما بدون عدالت، پیشرفت مفهومی ندارد و بدون پیشرفت هم عدالت مفهوم درستی پیدا نمی‌کند؛ باید هم پیشرفت باشد و هم عدالت. اگر بخواهید الگو بشوید و این کشور برای کشورهای اسلامی الگو بشود، بایستی گفتمان حقیقی و هدف والایی که همه برای او کار می‌کنند، این باشد.» (در جمع هیأت دولت، ۸۷/۷۲)

تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت نهم، به رغم فشارهای کسانی که از اجرای عدالت آسیب می‌بینند، بر اجرای عدالت است؛ سفرهای استانی، مصوبات عدالت‌طلبانه برای توسعه استان‌های محروم و روستاها و شهرهای کوچک؛ تحول بزرگی در کشور رقم زده است. در این راستا، به تبلیغات تخریبی کسانی که عدالت را توزیع فقر و گداپروزی! معرفی می‌کنند، اعتنایی نمی‌کند.

۳. ساده زیستی و پرهیز از اشرافیت

یکی دیگر از شعارهای امام و انقلاب، ساده‌زیستی و پرهیز از اشرافیت بود که امام همواره بر آن تأکید می‌کرد. امام در این باره فرمودند: «در زندگی‌اش وقتی که انسان می‌بیند، می‌بیند که یک پوستی بوده است - این طور نقل می‌کنند - که شب‌ها این پوست را می‌انداختند و خودشان با حضرت فاطمه - سلام الله علیها - رویش



۴. استکبار ستیزی

یکی دیگر از شاخص‌های گفتمان امام و انقلاب، استکبار ستیزی است؛ اصلاً ماهیت انقلاب ما را ستیزه با استکبار و عدم کرنش در برابر بیگانگان تشکیل می‌دهد. انقلاب با شعار مرگ بر شاه، مرگ بر آمریکا، مرگ بر شوروی و مرگ بر... کار خود را شروع کرد و تاکنون سعی شده همین استراتژی را در مقابله با استکبار حفظ کند. امام راحل نیز در همان روزهای اول، بر این نکته مهم تأکید می‌فرمودند: «آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است. آمریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی‌نماید. آمریکا، مردم مظلوم جهان را با تبلیغات و سیعش که به وسیله صهیونیسم بین‌الملل سازماندهی می‌گردد، استثمار می‌نماید. آمریکا با ایادی مرموز و خیانتکارش، چنان خون مردم بی‌پناه را می‌مکد که گویی در جهان هیچ کس جز او و اقمارش حق حیات ندارند.» (همان، ج ۱۳، ص ۲۱۳) «و دنیا اگر خودش را آماده بحران

می‌خواهند و روزها همین پوست را علوفه رویش می‌ریختند برای شترشان و در خوراک هم کسی نمی‌توانست آن طور زندگی بکند.» (صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۳۱) وقتی که در صدر اسلام مأموران را می‌فرستادند، همان که سردار بود، همان که استاندار بود، امام جماعت هم بود؛ یعنی این قدر مورد اعتماد مردم بود و مردم او را به عدالت می‌شناختند که به او اقتدا می‌کردند و با او نماز می‌خواندند و همان هم جنگ می‌رفت و مردم هم به او اعتنا می‌کردند. اگر یک همچو چیزی بشود و ما بتوانیم که یک دستگاه دولتی‌ای که دولت اسلامی باشد، با مردم باشد. شما الان الحمدلله تا یک حدودی پیش رفته است این.» (همان، ص ۲۳۶)

مع‌الاسف پس از جنگ، برخی مسئولان، هم خود را گم کردند و هم شعارهای امام و انقلاب را فراموش کردند! فرهنگ کاخ‌نشینی با همه لوازمش، بار دیگر به تدریج شکل گرفت، تا جایی که معظم له در نشست کارگزاران آن روز نظام، ضمن گلایه شدید فرمودند: «من و شما همان طلبه قبل از انقلابیم؛ شما یکی معلم بودید، یکی دانشجو بودید، یکی طلبه بودید، یکی منبری بودید، همه‌مان این جور بودیم، ما حالا عروسی بگیریم مثل عروسی اشراف! خانه درست کنیم مثل خانه اشراف! حرکت کنیم توی خیابان‌ها مثل اشراف؟ مگر اشراف چه بودند؟ فقط او چون ریش خودش را تراشیده بود و ما ریشمان را گذاشتیم، این فقط کافی است؟» (۷۰/۵/۲۷) این حرکت در ادامه شدت گرفت، تا جایی که در اواخر دهه دوم، کاخ سعدآباد نیز از حالت موزه خارج شد و در اختیار رئیس‌جمهور قرار گرفت و خرید هواپیمای ۶۰ میلیاردی سلطان برونی، در دستور کار واقع شد!

سرانجام، فرهنگ سازی‌های مقام معظم رهبری، در دهه سوم در دولت آقای احمدی‌نژاد نتیجه داد و روحیه ساده زیستی بر دولت و مسئولان سایه افکند؛ معظم له در این باره فرمودند: «ساده‌زیستی - بخصوص در خود آقای رئیس‌جمهور - خوب و برجسته است و چیز بارزتری است؛ در مسئولان هم - کما بیش؛ یک جایی کم‌تر، یک جایی بیش‌تر - بحمدالله هست. ساده‌زیستی چیز بسیار بارزتری است. ما اگر بخواهیم تجمل و اشرافی‌گری و اسراف و زیاده‌روی را - که واقعاً بلائی بزرگی است - از جامعه‌مان ریشه‌کن کنیم، با حرف و گفتن نمی‌شود؛ که از یک طرف بگوییم و از طرف دیگر مردم نگاه کنند و ببینند عملمان جور دیگر است! باید عمل کنیم. عمل ما بایستی مؤید و دلیل و شاهد بر حرف‌های ما باشد تا این که اثر بکند. این خوشبختانه هست. فاصله‌تان را با طبقات ضعیف کم کرده‌اید و کم نگه دارید و هر چه که ممکن است، آن را کم‌تر کنید.»



نفت و به هم خوردن همه معادلات اقتصادی و تجاری و صنعتی کرده است، ما هم آماده ایم و کمریندها را محکم بسته ایم و همه چیز برای عملیات آماده است و حتماً آمریکا باید به این نکته برسد که دخالت نظامی در خلیج فارس، صرفاً یک آزمایش نیست که یک دام بزرگ و یک بازی خطرناک است و ما و همه مسلمانان منطقه خلیج فارس، حضور نظامی ابرقدرت‌ها را نقشه و مقدمه تهاجم و حمله به ممالک اسلامی و کشور جمهوری اسلامی ایران و در ادامه حمایت از صدام تلقی می‌کنیم. مسلمانان جهان با همراهی نظام جمهوری اسلامی ایران، عزم خود را جزم کنند تا دندان‌های آمریکا را در دهانش خرد کنند و نظاره‌گر شکوفایی گل آزادی و توحید و امامت جهان نبی اکرم باشند.» (همان، ج ۳۰، ص ۳۳۰)

«آمریکا هم هیچ غلطی نمی‌تواند بکند و جوان‌ها هم مطمئن باشند که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. بی‌خود صحبت این که اگر دخالت نظامی [کند]، مگر آمریکا می‌تواند دخالت نظامی در این مملکت بکند؟ امکان برایش ندارد. تمام دنیا توجه‌شان الان به این جا است. مگر آمریکا می‌تواند مقابل همه دنیا بایستد و دخالت نظامی بکند؟ غلط می‌کند دخالت نظامی بکنند.» (ج ۱۸، ص ۱۰۶)

مع‌الاسف در دهه دوم انقلاب، کسانی که عنان قوه مجریه را در دست گرفتند، بعضاً با هراس از سلاح‌های پیشرفته غربی‌ها، معتقد بودند: باید از آمریکا ترسید!

برای نمونه بهزاد نبوی (نایب رئیس مجلس ششم) رسماً می‌گفت: «هیچ منطق و عقل سلیمی حکم نمی‌کند که یک کشور جهان سومی - حتی اگر همه ملت پشتیبان حکومتش باشند و همه این ملت مسلح - به جنگ نظامی با آمریکا، ابرقدرت جهان، بروند. در واقع خدا و تاریخ، سردمداران ملتی که آن کشور را به جنگ با ابرقدرت جهان بکشاند، نخواهد بخشید. این سخنان را که می‌گویم، شاید جبهه بگیرند که فلانی از آمریکا می‌ترسد، بله به خاطر کشورم، مردمم و انقلابم از آمریکای تا بن دندان مسلح می‌ترسم (اعتماد، ۸۱/۷/۲۸، ص سیاسی) مسلم است که می‌ترسم! کیست که از یک آمریکایی تا بن دندان مسلح که در عراق خود را چنین نشان داد و هیچ احترامی برای استقلال دولت‌ها قایل نیست، نترسد! بله، من می‌ترسم، ظاهراً آمریکایی‌ها هر کاری بتوانند می‌کنند، سازمان ملل متحد یا حتی افکار عمومی غرب هم اهمیت ندارند.» (ماهنامه گزارش، ۸۲/۳/۱۵، ص ۱۴)

آقای مزروعی، عضو حزب مشارکت هم، بر همین سیاست پافشاری کرده، می‌گوید: «منابع درآمدی و مشکلات فراوان اقتصادی نیز این اجازه را به ما نمی‌دهد و حتی احتمال قطعی حمله نظامی هم نباید به وسوسه روی آوردن به این سیاست بازدارندگی نظامی دامن بزند، تجربه فروپاشی شوروی سابق و اخیراً سقوط رژیم صدام

پیش‌روی ماست.» (یاس نو، ۸۲/۲/۲، ص ۲)

محسن آرمن، عضو سازمان نامشروع مجاهدین، نیز به جای ارائه راهبرد «مقاومت در برابر دشمن»، استراتژی «فرار به سوی ذلت» را توصیه می‌کند و می‌گوید: «ما قدرت گذشته را نداریم و در مقابل، آمریکا قوی‌تر و گستاخ‌تر شده و اگر جایی را نشان کرد، به هر بهانه‌ای حتماً به آن‌جا حمله می‌کند.» (کیهان، ۸۱/۱۰/۴، ص ۲)

احمد شیرزاد، عضو حزب مشارکت، نیز در این باره می‌گوید: «برای ترسیدن، شعور ترس لازم است. بعضی ممکن است نترسند؛ چون شعور درک خطر را ندارند! [شواهدی که در هفته‌های اخیر از تحلیل‌های بعضی از تحلیل‌گران دیدیم، نشان می‌دهد که پاره‌ای از آقایان، اصولاً اطلاع دقیق و درستی از توان تسلیحاتی پیشرفته و سیطره اطلاعاتی آمریکا و دیگر کشورها و نقاط واقعی قوت و ضعف طرف مقابل را ندارند.» (یاس نو، ۸۲/۲/۲، ص ۲)

مقام معظم رهبری نیز با تأکید بر روحیه استکبارستیزی، از مسئولان می‌خواهد با همین زبان با دشمن سخن بگویند و از دولت نهم به دلیل داشتن چنین روحیه ای تقدیر می‌کنند: «روحیه تهاجم در مقابله با زورگویان بین‌المللی، یک وقت هست که زورگویان بین‌المللی می‌آیند و می‌گویند که آقا شما فلان کار را کرده‌اید و ما رفع و رجوع می‌کنیم و نه والله، نه بالله... ولی یک وقت هست که تهاجمش، تهاجم زورگویانه است؛ بهترین دفاع در چنین مواقعی هجوم است. زورگویان بین‌المللی، نقاط ضعف زیادی دارند: جنایت می‌کنند، فساد می‌کنند، به حقوق بشر تجاوز می‌کنند، به حقوق ملت‌ها تعدی می‌کنند، انسان‌ها را لگدمال می‌کنند و همه کارهای زشت را انجام می‌دهند؛ آخر هم طلبکار همه‌اند! خوب، نقاط ضعفشان، با حالت تهاجمی و با حالت طلبکاری، گفته و بیان بشود. این جور نیست که ما برای تهاجمات سیاسی بین‌المللی، بخواهیم پاسخ پیدا کنیم. یک وقتی از بنده - سال‌های اوایل - می‌پرسیدند که آقا، شما در مقابل این حرف چه جوابی دارید؟ می‌گفتم ما جواب نداریم؛ ما ادعا داریم و مدعی این‌ها هستیم؛ در قضیه زن مدعی هستیم؛ در قضیه حقوق بشر مدعی هستیم؛ در قضایای حقوق اساسی انسان‌ها مدعی هستیم. ما مدعی این‌ها هستیم؛ ما در مقام پاسخگویی نیستیم. چرا باید سؤال بکنند تا کسی مجبور باشد پاسخ بدهد؟ آن‌ها بی‌جا می‌کنند سؤال و ادعا می‌کنند. این روحیه، روحیه خوبی است؛ روحیه انقلاب این است؛ این است که حقیقت را روشن و درخشان می‌کند.»

امیدواریم مسئولان کشور با برجسته کردن این شاخصه‌ها، در جهت حفظ هویت اسلامی انقلاب تلاش کنند، چرا که امروز همه پیشرفت‌های حیرت‌آور ما، در سایه پررنگ شدن شاخصه استکبارستیزی ملت و دولت ماست.